

از آن شخصیت‌های فرهنگی است که دیدار با او موهبتی بحساب می‌آید. هر کس با او دیدار کند، به قدر اهلیت خود اثر می‌پذیرد. مراتب ارادت خود را خالصانه خدمت این خادم فرهیخته فرهنگ ابراز کرده و برایش سلامتی و طول عمر پربرت آرزو می‌کنم.

## حکایت از دوست

### عبدالله کوثری

اگر بخواهم چند نفر را نام ببرم که در این دو دهه اخیر بر فرهنگ جماعت کتابخوان و اهل تفکر در این دیار تأثیر نمایان نهاده‌اند، بی‌تردید یکی از ایشان خشایار دیهیمی خواهد بود.

دامنه فعالیت دیهیمی بسیار گسترده است. او جدا از ترجمه در زمینه ادبیات و فلسفه، سالها ویراستار بوده و علاوه بر این فعالیت مطبوعاتی طولانی داشته، از سردبیری نگاه نو تا نوشتن مقالات در مطبوعات و باز علاوه بر این در محافل و مجامع دانشگاهی و غیر آن سخنرانی‌ها داشته و همچنین چندین فعالیت فرهنگی را سامان داده یا به راه انداخته و با بسیاری از ناشران خوب ما همکاری کرده و مشاور آنان در گزینش کتاب بوده. جدا از اینها دیهیمی از کسانی است که برای راهنمایی نویسندگان و مترجمان جوان همواره آماده است.

من در اینجا فقط به آن بخش از فعالیت او می‌پردازم که به کتاب مربوط می‌شود و بخصوص به ترجمه و ویرایش. دیهیمی در مقام مترجم کار خود را با ترجمه داستانی از گوگول آغاز کرد و هنوز هم به آثار ادبی توجه خاص دارد خاصه نوشته‌های دو نویسنده محبوبش، داستایوسکی و آئبر کامو. اما در این دو دهه خدمت نمایان او به اهل کتاب ترجمه کتابهای فراوان و ارزشمند در زمینه فلسفه و فلسفه سیاسی بوده است. طیفی وسیع از نویسندگان، از هانا آرنه و آیزابا برلین تا جان کری و ریچارد رورتی با ترجمه دیهیمی به خوانندگان فارسی زبان معرفی شده‌اند و به جرات می‌توان گفت ترجمه‌های او سطح آگاهی ما را از فلسفه سیاسی بسیار بالاتر برده است و این یکی از ضروری‌ترین دانش‌ها برای ما ایرانیان بوده و هست، چرا که در طول چند دهه، شیفتگی و تعصب بسیاری از روشنفکران ما در حق یکی دو مکتب فکری ما را از تنوع اندیشه در این عرصه بی‌خبر نگه داشته بود و اغلب چشم بسته بر آرای تأکید می‌کردیم که خواه در شکل اصلی و خواه در نسخه ناقص و تحریف شده‌ای که به دست ما رسیده بود، قبل از هر چیز ستایشگر دیکتاتوری به نامهای مختلف و نفی کننده آزادی بود. تلاش دیهیمی و یکی دو تن از مترجمان خوب دیگر در این دو دهه ما را با

سویه دیگری از تفکر معاصر که آوازه‌گر دموکراسی و آزادی فرد و حق انتخاب انسان بود آشنا کرد و این برآستی حق بزرگی است که این مترجمان بر گردن ما دارند.

مجموعه کتابهایی که دیهیمی ترجمه کرده بخشی از بهترین نمونه‌های موجود در فلسفه و دانش غرب در این زمینه است. چرا که دیهیمی می‌کوشد مناسب‌ترین و جامع‌ترین کتاب را برگزیند و از آنجا که خود مطالعه‌ای مداوم در این زمینه دارد انتخابش کمتر به خطا می‌رود. اصولاً آن همه فعالیت که برشمردم جدا از عشقی بی‌کران به کار فرهنگی، یک شرط عمده نیز دارد و آن چیزی است که خود او در گفتگویی که چند سال قبل با هم داشتیم و در مترجم هم چاپ شد، آن را شرط اصلی برای مترجم خوب نامید و آن فرهیختگی یا به عبارت دیگر با سواد بودن مترجم و کتابخوان بودن اوست.

دیهیمی خود نمونه بارز چنین مترجمی است. او از معدود مترجمانی است که جدا از موضوع عمده ترجمه‌هایش دانشی وسیع در کل فرهنگ آدمی دارد و از این روی می‌توانی ساعتها درباره ادبیات و تاریخ و فلسفه و هنر و سیاست روز و ... با او حرف بزنی و هر بار چیزی تازه بشنوی.

بررسی کیفیت کار دیهیمی به سبب شمار فراوان کتابهایش در این مجال میسر نیست. اما می‌توانم بگویم که او در ترجمه متون فلسفی زبانی روشن و بری از فضل فروشی دارد و این برای خواننده ایرانی که در این متون با مفاهیمی سروکار می‌یابد که در فرهنگ او بی‌سابقه است، برآستی نعمت بزرگی است. یکی از مشکلات ما در خواندن متون فلسفی این است که گاه به سطرهایی آکنده از اصطلاحاتی گاه "شیک" و گاه "قلمبه سلمبه" بر می‌خوریم بی‌آنکه در نهایت معنایی روشن از آن حاصل شود. این از آن روست که مترجم خود شناخت دقیقی از متن نداشته و تنها به کنار هم چیندن مشتق اصطلاح بسنده کرده است. مسأله اصطلاحات فلسفی نیز خود مشکل دیگری است زیرا بسیاری از آنها حتی زمانی که به جامعه فارسی در می‌آید برای خواننده ایرانی معنای روشنی نمی‌دهد. از این روست که کار مترجم فلسفی در این دیار بسیار دشوار می‌شود. دیهیمی مترجم را کاشف متن می‌داند که باید در متن غوطه بخورد و معنای آن را در یابد و بعد برای خواننده بازگو کند. این مهم‌ترین ویژگی کار دیهیمی در عرصه فلسفه است.

فعالیت دیهیمی در عرصه ویرایش نیز بسیار پرثمر بوده. از ویرایش **تاریخ تمدن ویل دورانت** تا سرپرستی و ویرایش مجموعه **نسل قلم** و نیز راه انداختن چند طرح ترجمه و نظارت بر این طرح‌ها از

آن جمله است. مجموعه نسل قلم که او زمان و توان بسیار بر سر آن نهاد، اگر خطا نکنم تا ۱۳۰ کتاب ادامه یافت. انتشار دو کتاب در ماه تعهد سنگینی بود و او بناچار دامنه‌گزینش مترجم را وسیع گرفته بود و همین سبب می‌شد بسیاری از ترجمه‌ها که به دستش می‌رسید کیفیت مطلوب را نداشته باشد. از این روی او خود این متون را دوباره کم و بیش از سر تا ته ترجمه می‌کرد اما در نهایت به نام همان مترجم منتشر می‌شد. وقتی ادامه نسل قلم ناممکن شد دیهیمی تلاش کرد کار را دست کم برای ادبیات چند کشور ادامه بدهد و نتیجه این تلاش تا کنون انتشار دائرةالمعارف نویسندگان روس بوده که جدا از آنچه در مجموعه نسل قلم منتشر شده بود، بخش عمده‌ای از آن (مربوط به نویسندگان قرن ۱۷ و ۱۸) ترجمه خود اوست.

یکی دیگر از طرح‌های بسیار سودمند که باز به همت دیهیمی سامان گرفت ترجمه آثار آیزایا برلین است که خود من هم با شور و شوق در آن شرکت دارم. قرار است در این طرح همه کتابهای ترجمه شده برلین ترجمه شود. کسانی که با نوشته‌های آیزایا برلین آشنا شده‌اند می‌دانند که این طرح تا چه حد حساب شده و مبتنی بر نیازهای عینی جامعه روشنفکری ماست.

درباره دیهیمی و کارهای او می‌توان بسیار بیش از این سخن گفت، اما من شرح "مناقب" این دوست فرزانه را در همین جا ختم می‌کنم، باشد که شمه‌هایی دیگر از آن را در حدیث دیگران بشنویم. موفقیت او را در کارهای فراوان و ارزشمندش آرزومندم.

## ادای دین به خشایار دیهیمی

علی میرزائی<sup>۱</sup>

info@negahenou.com

در اوایل سال ۱۳۷۰ بود که من از نزدیک با آقای خشایار دیهیمی آشنا شدم و این آشنایی به همکاری و دوستی انجامید. پیش از آن، با ترجمه‌های او و متونی که ویرایش کرده بود آشنا بودم. در آن زمان من مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه علمی - فنی دانشمند بودم. روزی از دوست و همکار همیشگی ام آقای عبدالحسین آذرنگ خواهش کردم برای ویراستاری بخش علوم پایه‌ی دانشمند فردی را به من معرفی کنند. ایشان آقای دیهیمی را معرفی کردند. آقای دیهیمی که در آن روزها از

۱. مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه نگاه‌نو